

Comparing Rumination and Metacognitive Beliefs in Working Women and Homemakers Living in Yazd City, Iran

*Chabokinejad Z¹

Author Address

1, PhD in Family Counseling, Yazd, Iran.

Corresponding Author Email: zahrachabokinejad@gmail.com

Received: 2021 October 22; Accepted: 2022 January 19

Abstract

Background & Objectives: Women play a major role in the economic activities of society. Ruminants are repetitive, persistent, reversible, and uncontrollable, revolving around a normal subject. These thoughts involuntarily enter the level of consciousness and divert attention from the main themes. Because of the problems and pressure that working women suffer, rumination in these people may develop, and its persistence prevents problem-solving and increases negative feelings. Researchers believe that cognitive self-awareness negatively affects a person's mental health and mental engagement, especially when accompanied by anxiety about being in the company of others, which leads to persistent and exacerbated depression. Researches show less rumination among working people, on the other hand, more cognitive awareness about colleagues and the work environment. This research compared and evaluated the rumination and metacognitive beliefs in working women and homemakers' groups.

Methods: The research method was descriptive and causal-comparative. The statistical population comprised all homemakers and working women living in Yazd City, Iran, in 1400. The research sample consisted of 200 women selected by convenience sampling. The inclusion criteria were not receiving training related to self-awareness, reducing disturbing thoughts, and not participating in counseling sessions while conducting the research. The exclusion criterion was an unwillingness to participate in the study. The research instruments were Rumination Scale (Nolen-Hoeksema & Morrow, 1991) and Metacognitions Questionnaire (Wells & Cartwright-Hatton, 2004). In the descriptive statistics section of the research, mean, standard deviation, frequency, and percentage were calculated. The independent t test was used in the inferential statistics section. The software used in the research was SPSS, and a significance level of 0.05 was considered for all tests.

Results: The results showed a significant difference between the two groups of working women and housewives regarding rumination ($p < 0.001$). But regarding metacognitive beliefs, no significant difference was observed between the two groups ($p = 0.631$).

Conclusion: According to the research findings, women's employment can help them be less involved in disturbing thoughts and ruminations and have more mental health.

Keywords: Rumination, Metacognitive beliefs, Housewives, Working women.

مقایسه نشخوار فکری و باورهای فراشناختی در زنان شاغل و زنان خانه‌دار شهرستان یزد

زهرا چابکی‌نژاد^۱

توضیحات نویسندگان

۱. دکتری مشاوره خانواده، یزد، ایران.

* رابا نامۀ نویسنده مسئول: zahrachabokinejad@gmail.com

تاریخ دریافت: ۳۰ مهر ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۹ دی ۱۴۰۰

چکیده

زمینه و هدف: زنان از یک طرف در محیط کار و خانه به دلیل نقش‌های متعدد خود فشار زیادی را تحمل می‌کنند و از سوی دیگر در مقایسه با مردان از فرصت رشد و ارتقای شغلی و مزایایی همچون حقوق اضافه و غیره محروم هستند. این عوامل می‌تواند آن‌ها را گرفتار مجموعه افکار مزاحم و نشخوار فکری کند. هدف پژوهش حاضر، مقایسه نشخوار فکری و باورهای فراشناختی در زنان شاغل و زنان خانه‌دار شهر یزد بود.

روش بررسی: روش تحقیق، توصیفی و از نوع علی‌مقایسه‌ای بود. جامعه آماری را تمامی زنان خانه‌دار و زنان شاغل در ادارۀها و سازمان‌های شهر یزد در سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند. تعداد نمونه پژوهش دویست نفر (صد نفر از زنان شاغل و صد نفر از زنان خانه‌دار) بود که به صورت در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش، مقیاس نشخوار فکری (نالن- هوکسما و مارو، ۱۹۹۱) و پرسش‌نامه باورهای فراشناختی (ولز و کارترایت-هاتن، ۲۰۰۴) بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی مستقل در نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. سطح معناداری آزمون‌های آماری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد، بین دو گروه زنان شاغل و زنان خانه‌دار از نظر نشخوار فکری تفاوت معناداری وجود داشت ($p < ۰/۰۰۱$)؛ اما از نظر باورهای فراشناختی بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد ($p = ۰/۶۳۱$).

نتیجه‌گیری: باتوجه به یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که اشتغال زنان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا کمتر درگیر افکار مزاحم و نشخوارهای فکری شوند و از بهداشت روانی بیشتری برخوردار باشند.

کلیدواژه‌ها: نشخوار فکری، باورهای فراشناختی، زنان خانه‌دار، زنان شاغل.

زنان به عنوان قشر مهم جوامع نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می دهند و بررسی مسائل مربوط به آن ها از جمله اشتغال و تأثیرات آن از اهمیت زیادی برخوردار است. این قشر جامعه غالباً بر مبنای شرایط مالی و اجتماعی، خانه داری یا شاغل بودن را انتخاب می کنند. آمار اخیر کشورمان نشان می دهد، سهم زنان از نیروی کار رسمی، ۱۱ درصد است و اکنون افزون بر ۲/۱ میلیون نفر زن شاغل و ۱۴ میلیون نفر زن خانه دار در کشور وجود دارد (۱). رود معتقد بود، زنان نقش عمده ای در فعالیت های اقتصادی جامعه دارند. آن ها با وجود ساعات کاری زیاد، حجم فشار کاری و نقش های متعدد خود از بسیاری از امکانات، فرصت رشد و ارتقای شغلی بی بهره هستند. علاوه بر این کاهش مشارکت آن ها در فعالیت های اجتماعی، رضایت مندی^۱ آنان را کاهش می دهد و خستگی زیادی را برایشان به همراه دارد. این موارد می تواند آن ها را گرفتار مجموعه ای از افکار منفی و منفعلانه ای کند که جنبه تکراری دارند و مانع حل مسئله سازش یافته می شوند و به تشدید افکار منفی می انجامند (۲).

اسکات و بوئلن بیان کردند، نشخوار فکری^۲ یک روش تنظیم شناختی هیجانی نابهنجار^۳ است که افراد در پاسخ به شرایط و موقعیت، خلقی منفی از خود نشان می دهند (۳). یکی دیگر از متغیرهای بررسی شده در این تحقیق که از مؤلفه های فراشناخت^۴ بوده، آگاهی شناختی^۵ است و به تمرکز فرد بر فرایندهای ذهنی گفته می شود (۴). به نظر می آید سطوح بالای آگاهی شناختی باعث مشکلات حافظه می شود و این مسئله افزایش اطلاعاتی را در پی دارد که مدنظر قرار گرفته و شناسایی شده است. این اطلاعات وارد هشیاری می شود و با تکالیف شناختی موجود تداخل پیدا می کند (۵). رویکرد فراشناختی معتقد است، افراد به این دلیل گرفتار ناراحتی هیجانی می شوند که فراشناخت های آنان منجر به روش خاصی از پاسخ دهی به تجربه ها می گردد. این الگو که نشانگان شناختی توجیهی تعریف می شود، شامل نگرانی، نشخوار فکری، توجه تثبیت شده و راهبردهای مقابله ای ناسازگار^۶ است (۶). نشخوار فکری می تواند تکراری، مقاوم، برگشت پذیر و کنترل ناپذیر شناخته شود که درباره موضوعی عادی می چرخد و این افکار به طور غیرارادی وارد سطح آگاهی می شوند و توجه را از موضوعات اصلی دور می کنند (۷). تعریف های زیادی از نشخوار فکری ارائه شده است؛ اما همگی در تجربه افکار منفی، تکرار شونده و مزاحم اشتراک دارند. به عقیده نالن- هوکسما^۷ نشخوار فکری حالت خلقی فرد در پاسخ به آشفتگی است و شامل تمرکز مکرر و منفعل بر نشانه های پریشان کننده، علل و نتایج این علائم می شود (به نقل از ۸). مور و همکاران بیان کردند، افراد مبتلا به نشخوار فکری بر این باور هستند که باید سعی کنند بر درون خود تمرکز یابند؛ زیرا اعتقاد دارند، چنین تمرکزی به آن ها بینش می دهد تا بتوانند راهحلی برای مشکلات خود پیدا کنند؛ اما متأسفانه دچار نشخوار فکری بیشتری می شوند (۹).

خودآگاهی^۸ به عنوان صفت شخصیتی و مهارتی در نظم بخشی رفتار افراد نقش مهمی ایفا می کند. تعاریف مختلف خودآگاهی سه ویژگی اساسی را نشان می دهد: الف. توجه و آگاهی تمرکز یافته بر زمان اکنون را مشخص می کند؛ ب. هدفمندی که به توجه و رفتار شخص مؤلفه انگیزشی را می افزاید؛ ج. نگرش که چگونگی توجه کردن فرد یا شرایط شخص در هنگام توجه کردن را نشان می دهد. طبق یافته های پژوهش مکابیوی و ماهونی، فراشناخت ها در به وجود آوردن و تداوم اختلالات دربرگیرنده تفکر استمراریافته و آزاد دهنده مانند اختلال وسواسی- جبری^۹ و روان پریشی^{۱۰} نقش بسزایی دارند (۱۰). با توجه به وجود مسائل و فشاری که زنان شاغل متحمل می شوند، احتمال پیدایش نشخوار فکری در این افراد وجود دارد؛ همچنین پایداری آن که موجب تداوم اختلالات است، مانع حل مسئله^{۱۱} می شود و هیجان منفی را افزایش می دهد. از دیگر نتایج آسیب زای نشخوار فکری می توان به نبود مهارت حل مسئله، بی انگیزگی، نبود رفتارهای مؤثر، تمرکز و شناخت درهم تنیده اشاره کرد. به علاوه نشخوار فکری اثرات خلقی منفی را پررنگ می کند و در نتیجه تمرکز و رفتار فرد مختل می شود. در مجموع حاصل نشخوار فکری، تولید دو نوع باور منفی است. اعتقاد منفی اول نشان دهنده کنترل نشدنی بودن تفکر اجباری بوده و باور منفی دوم مربوط به پیامدهای اجتماعی و مسائل بین فردی است. ایجاد این دو گروه باور منفی و نشخوار فکری به تجربه نگرانی منتهی می شود (۱۱). از طرفی فراشناخت از راه اثرگذاری دانش و راهبردهای فراشناختی با تغییر عقاید و نیز تفسیر نشانه های خاص مانند افکار مزاحم می تواند مؤثر باشد؛ برای مثال خودآگاهی شناختی، تمایل به کنترل فکر و محتویات توجه را ارزیابی می کند (۱۱). خودآگاهی شناختی نتایج منفی بر بهداشت روانی شخص دارد؛ زیرا اشتغال فکری به خصوص زمانی که همراه با احساس نگرانی ناشی از حضور در جمع دیگران باشد سبب تداوم و تشدید افسردگی می شود. شایان توجه است که شدت و وضوح خودآگاهی شناختی در ارتباط با ماهیت افکار و هیجانات و باورها به ویژه میزان احساس ناامیدی و نیز ارزشی که فرد برای خود به عنوان یکی از اعضای جامعه قائل می شود، می تواند به صورت مختلف بر بهداشت روانی فرد تأثیر بگذارد (۱۲). علاوه بر این به دلیل تغییر شرایط جامعه و مسائل اقتصادی، امروزه حضور پررنگ زنان در مشاغل مختلف مشاهده می شود (۱۳).

زنان به عنوان سرمایه های انسانی تقریباً نیمی از جامعه شاغل کشور را تشکیل می دهند. مشارکت زیاد زنان در عرصه های مختلف مشاغل نه تنها به افزایش تولیدات و ارائه خدمات منجر می شود، بلکه رشد اقتصادی را نیز به دنبال دارد. افزایش نقش زنان در مشاغل به یکی از مسائل مهم در اقتصاد کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تبدیل شده است. عزیزی و همکاران در پژوهشی به مقایسه تأثیر دو درمان مبتنی بر رویکرد فراشناخت موریتس و ولز بر کاهش نشانه های وسواسی و انعطاف پذیری شناختی زنان خانه دار دارای اختلال وسواس جبری

7. Nolen-Hoeksema

8. Self-awareness

9. Obsessive-Compulsive Disorder

10. Psychosis

11. Problem solving

1. Satisfaction

2. Rumination

3. Abnormal emotional cognitive regulation

4. Metacognitive components

5. Cognitive awareness

6. Incompatible coping strategies

گروه از زنان شاغل و خانه‌دار بپردازد و آن‌ها را ارزیابی کند. لازم به ذکر است، تاکنون پژوهشی یافت نشد که دو متغیر تحقیق حاضر را به‌طور هم‌زمان در دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار بررسی و مقایسه کند. هدف پژوهش حاضر، ارزیابی مقایسه‌ی نشخوار فکری و باورهای فراشناختی در زنان شاغل و خانه‌دار شهرستان یزد بود.

۲ روش بررسی

روش این پژوهش، توصیفی و از نوع علی‌مقایسه‌ای بود. جامعه آماری را تمامی زنان شاغل و زنان خانه‌دار شهرستان یزد در سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند. نمونه شامل دویست نفر (صد نفر از زنان شاغل و صد نفر از زنان خانه‌دار) از شهرستان یزد بود که به‌صورت در دسترس انتخاب شدند؛ بدین‌گونه که صد خانم خانه‌دار و صد خانم شاغل که در دسترس محقق بودند و به شرکت در پژوهش تمایل داشتند، پرسش‌نامه‌ها را تکمیل کردند. حجم نمونه براساس جدول کوکران برای جوامع نامشخص ۲۷۸ نفر است (۲۱). بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها مشخص شد که دویست پرسش‌نامه کامل پر شده است. معیارهای ورود شرکت‌کنندگان به پژوهش، دریافت نکردن آموزش مرتبط با خودآگاهی و کاهش افکار مزاحم و شرکت نکردن در جلسات مشاوره به‌طور هم‌زمان با انجام پژوهش بود. معیار خروج، تمایل نداشتن به شرکت در پژوهش در نظر گرفته شد. در این پژوهش رعایت ملاحظات اخلاقی صورت گرفت. اطلاعات تمامی شرکت‌کنندگان با رعایت اصول اخلاقی از جمله پرسش‌نامه‌ها بدون نام و با کد مشخص گردید و رازداری رعایت شد. همچنین مشارکت‌کنندگان با رضایت خود در تحقیق حاضر همکاری کردند.

برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای زیر در پژوهش به‌کار رفت. - مقیاس نشخوار فکری^۱: این مقیاس توسط نالن-هوکسما و مارو در سال ۱۹۹۱ برای اندازه‌گیری نشخوار فکری در قالب ۲۲ سؤال تهیه شد (۲۲). نمره‌گذاری مقیاس براساس طیف چهاربخشی لیکرت (همیشه=۴، اغلب اوقات=۳، گاهی اوقات=۲، هرگز=۱) است. مقیاس دارای سه خرده‌مقیاس حواس‌پرتی، تعمق و در فکر فرو رفتن است. دامنه نمرات بین ۲۲ تا ۸۸ است. نمرات بیشتر، نشان‌دهنده نشخوار فکری بیشتر است (۲۲). نالن-هوکسما و مارو روایی محتوایی این مقیاس را مطلوب ارزیابی کردند و پایایی آن را به‌شیوه بازآزمایی از ۲۸ تا ۴۸٪ به‌دست آوردند. همچنین ضریب اعتبار آن به‌روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ بود (۲۲). در مطالعه رهبریان و همکاران، روایی این مقیاس به‌تأیید رسید و ضریب پایایی ۰/۸۲ محاسبه شد و پایایی مقیاس با بهره‌گیری از روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۳ به‌دست آمد (۲۳).

- پرسش‌نامه باورهای فراشناختی^۲: این ابزار توسط ولز و کارترایت-هاتن در سال ۲۰۰۴ به‌منظور بررسی باورهای افراد درباره تفکرشان در قالب سی سؤال طراحی شد (۲۴). پاسخ‌ها براساس مقیاس چهاردرجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۴، موافقم=۳، کمی موافقم=۲، موافق نیستم=۱) محاسبه می‌شود. این پرسش‌نامه پنج خرده‌مقیاس دارد که شامل باورهای فراشناختی مثبت درباره نگرانی^۳ (سوالات ۱،

پرداختند. یافته‌ها حاکی از تأثیر دو رویکرد درمانی موریتس و ولز بر کاهش علائم وسواسی و انعطاف‌پذیری شناختی زنان خانه‌دار بود. همچنین تفاوت معناداری بین تأثیر دو رویکرد موریتس و ولز مشاهده نشد (۱۴). سلیمانی و همکاران رابطه نگرانی و نشخوار فکری را با باورهای فراشناختی و نشانه‌های افسردگی بررسی کردند. نتایج همبستگی نشان داد، بین باورهای فراشناختی مثبت و منفی درباره نشخوار فکری با شدت آن همبستگی معنادار وجود دارد؛ همچنین بین شدت نشخوار فکری با نشانگان همبستگی مثبت معناداری مشاهده می‌شود (۱۵). پورنامداریان و همکاران در پژوهشی به بررسی نقش باورهای فراشناختی در علائم افسردگی و اضطراب در پرستاران پرداختند. آن‌ها دریافتند، در مجموع بین این باورها و علائم افسردگی و اضطراب رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین نتایج بررسی همبستگی مشخص کرد، بین ابعاد باورهای فراشناختی با افسردگی رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌شود (۱۶). بخشایش و انتظاری رابطه کمال‌گرایی و باورهای غیرمنطقی را در زنان شاغل و خانه‌دار مطالعه کردند. نتایج نشان داد، بین باورهای غیرمنطقی و کمال‌گرایی رابطه مثبت وجود دارد. میان زنان شاغل و خانه‌دار از نظر میزان کمال‌گرایی تفاوت وجود ندارد (۱۷). آندو و همکاران در پژوهشی به بررسی نشخوار فکری و جنسیت پرداختند. در این پژوهش ۲۸ نفر (یازده مرد و هیجده زن) شرکت داشتند. نتایج نشان داد، بین زنان و مردان در میزان نشخوار فکری تفاوت معناداری وجود دارد؛ به‌طوری‌که میزان نشخوار فکری در زنان بیشتر است. محققان بیان کردند، نشخوار فکری از نظر هیجانی بین زنان و مردان تفاوت ایجاد می‌کند؛ اما از نظر فیزیولوژیک باعث تفاوت بین آنان نمی‌شود. همچنین محققان عنوان کردند، شاغل بودن سبب می‌شود میزان نشخوار فکری در زنان به‌مقدار درخور توجهی کاهش یابد (۱۸). بیونا و همکاران به ارزیابی رابطه بین افسردگی، بی‌تفاوتی و خودآگاهی در افراد آسیب‌دیده شدید مغزی پرداختند. این پژوهش، تحقیقی پس‌رویدادی بود. در این پژوهش یازده فرد با آسیب شدید مغزی و یازده فرد سالم از نظر جسمی و روانی شرکت داشتند. یافته‌ها مشخص کرد، اغلب افراد با آسیب مغزی، خودآگاهی شناختی صحیحی ندارند. همچنین نتایج نشان داد، افراد سالم از خودآگاهی شناختی مناسبی در زمینه‌های مختلف برخوردار هستند (۱۹). کریک پاتریک و همکاران رابطه بین آگاهی شناختی، دانش، عملکرد مراقبت و تجربه را در بین پرستاران بررسی کردند. در این پژوهش شانزده دانشجوی پرستاری شرکت داشتند. نتایج پژوهش نشان داد، بین میزان دانش و خودآگاهی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌شود؛ اما بین خودآگاهی شناختی با تجربه و عملکرد مراقبت رابطه معناداری وجود ندارد (۲۰).

نظر به انکارناپذیر بودن نقش پررنگ زنان در سلامت خانواده و جامعه، باتوجه به مطالب مذکور و پژوهش‌های مشابه انجام‌گرفته مبنی بر کم‌تر بودن نشخوار فکری در بین افراد شاغل، از طرف دیگر بیشتر بودن آگاهی شناختی آنان در ارتباط با همکاران و محیط کاری، محقق بر آن شد که به مقایسه دو متغیر نشخوار فکری و باورهای فراشناختی در دو

۳. Positive beliefs about worry

۱. Rumination Scale

۲. Metacognitions Questionnaire

در بخش آمار توصیفی تحقیق از میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد و در بخش آمار استنباطی از آزمون تی مستقل استفاده شد. نرم افزار به کاررفته در پژوهش SPSS بود و سطح معناداری ۰/۰۵ در نظر گرفته شد. پیش فرض نرمال بودن داده ها و برابری واریانس ها برای متغیرهای پژوهش رعایت شد.

۳ یافته ها

در این بخش ابتدا به ارائه آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش پرداخته شد و سپس بررسی فرضیه تحقیق صورت گرفت.

۰/۷، ۱۰، ۱۹، ۲۳)، باورهای فراشناختی منفی که بر کنترل ناپذیری افکار و خطرناک بودن نگرانی ها تأکید می کند^۱ (سؤالات ۲، ۴، ۹، ۱۱، ۱۵، ۲۱)، کارآمدی شناختی پایین^۲ (سؤالات ۸، ۱۴، ۱۷، ۲۴، ۲۶، ۲۹)، لزوم کنترل افکار^۳ (سؤالات ۶، ۱۳، ۲۰، ۲۲، ۲۵، ۲۷) و خودآگاهی شناختی (سؤالات ۳، ۵، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۳۰) می شود (۲۴). در پژوهش شیرین زاده دستگیری و همکاران، این پرسش نامه از روایی محتوایی خوبی برخوردار بود و ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۱ و برای خرده مقیاس های کنترل ناپذیری، باورهای مثبت، آگاهی شناختی، اطمینان شناختی و نیاز به کنترل افکار به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۰، ۰/۷۱ گزارش شد (۲۵).

جدول ۱. اطلاعات مربوط به سن

گروه	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
زنان خانه دار	۳۲/۷۶	۵/۵۱	۲۳	۴۵
زنان شاغل	۳۵/۶۳	۵/۸۳	۲۷	۵۲

جدول ۱ نشان می دهد، میانگین سنی زنان خانه دار شرکت کننده در پژوهش ۳۲/۷۶ (انحراف معیار برابر با ۵/۵۱) و دامنه سنی این گروه بین ۲۳ تا ۴۵ سال بود؛ همچنین میانگین سنی زنان شاغل شرکت کننده در پژوهش برابر با ۳۵/۶۳ (انحراف معیار برابر با ۵/۸۳) و جوان ترین ۲۷ ساله و مسن ترین آن ها ۵۲ ساله بود.

جدول ۲. اطلاعات مربوط به سطح تحصیلات آزمودنی ها

متغیر	سیکل (فراوانی)	درصد	دیپلم (فراوانی)	درصد	فوق دیپلم (فراوانی)	درصد	لیسانس (فراوانی)	درصد	فوق لیسانس (فراوانی)	درصد
زنان خانه دار	۷۱	۷۱	۲۷	۲۷	۲	۲	-	-	-	-
زنان شاغل	-	-	۲	۲	۲۰	۲۰	۶۶	۶۶	۱۲	۱۲

براساس جدول ۲، از مجموع صد زن شاغل شرکت کننده، ۲ نفر (۲ درصد) دارای تحصیلات دیپلم، ۲۰ نفر (۲۰ درصد) دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۶۶ نفر (۶۶ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی و ۱۲ نفر (۱۲ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد بودند. از صد زن خانه دار ۷۱ نفر (۷۱ درصد) سیکل، ۲۷ نفر دیپلم (۲۷ درصد) و ۲ نفر (۲ درصد) فوق دیپلم داشتند.

به منظور بررسی نرمال بودن داده ها از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف

جدول ۳. نتایج آزمون تی مستقل برای مقایسه متغیرهای پژوهش در دو گروه

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	t	p
نشخوار فکری	زنان خانه دار	۴۰/۵۹	۹/۴	۳/۲۸	<۰/۰۰۱
	زنان شاغل	۳۶/۵۹	۸/۱		
باورهای فراشناختی	زنان خانه دار	۷۷/۶۱	۹/۴۷	-۰/۴۷	۰/۶۳۱
	زنان شاغل	۷۸/۲۱	۸/۵۱		

نتایج جدول ۳ نشان می دهد، بین دو گروه زنان شاغل و زنان خانه دار

از نظر نشخوار فکری تفاوت معناداری وجود داشت ($p < ۰/۰۰۱$)؛ اما از نظر باورهای فراشناختی بین دو گروه تفاوت معناداری مشاهده نشد

۴ بحث

این پژوهش با هدف مقایسه نشخوار فکری و باورهای فراشناختی بین

^۳. Need to control thoughts

^۱. Negative beliefs about uncontrollability of thoughts and danger

^۲. Low cognitive confidence

زنان خانه‌دار و شاغل انجام گرفت. یافته‌های پژوهش مشخص کرد، بین دو گروه زنان شاغل و خانه‌دار از نظر باورهای فراشناختی تفاوت معناداری وجود نداشت؛ اما بین دو گروه مذکور از نظر میزان نشخوار فکری تفاوت معنادار مشاهده شد؛ به طوری که میزان نشخوار فکری در زنان شاغل به طور معناداری کمتر از میزان نشخوار فکری زنان خانه‌دار بود.

یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های زیر همسوست؛ عزیزی و همکاران به مقایسه تأثیر دو درمان مبتنی بر رویکرد فراشناخت موریتس و ولز بر کاهش نشانه‌های وسواسی و انعطاف‌پذیری شناختی زنان خانه‌دار دارای اختلال وسواس جبری پرداختند. یافته‌ها نشان‌دهنده تأثیر دو رویکرد درمانی موریتس و ولز بر کاهش علائم وسواسی و انعطاف‌پذیری شناختی زنان خانه‌دار بود. همچنین تفاوت معناداری بین تأثیر دو رویکرد موریتس و ولز مشاهده نشد (۱۴). از آنجا که پژوهش حاضر روی زنانی انجام گرفت که از نظر روانی و ذهنی مشکل خاصی نداشتند، هر دو گروه از زنان از نظر آگاهی شناختی در حد مطلوب بودند و تفاوت معناداری باهم نداشتند. از طرفی باید توجه داشت که زنان شاغل به دلیل مشغول بودن و داشتن اوقات فراغت کمتر، فرصتی برای فکرکردن درباره مسائل گذشته و موضوعات بی‌اهمیت ندارند؛ بنابراین میزان نشخوار فکری در آنان کمتر است. نشخوار ذهنی گرایش به فکرکردن و تجزیه و تحلیل ناکارآمد مسائل اضطراب‌آور و پریشان‌ساز (مانند مشکلات روزمره، تجارب تلخ، موقعیت‌های استرس‌زا و تروماتیک، نگرانی درباره آینده و غیره) بدون تلاش برای حل مسئله است. سلیمانی و همکاران به بررسی رابطه نگرانی و نشخوار فکری با باورهای فراشناختی و نشانه‌های افسردگی پرداختند. نتایج همبستگی نشان داد، بین باورهای فراشناختی مثبت و منفی درباره نشخوار فکری با شدت آن همبستگی معنادار وجود دارد؛ همچنین بین شدت نشخوار فکری با نشانگان همبستگی مثبت معناداری مشاهده می‌شود (۱۵). زنان شاغل به دلیل اشتغال داشتن به یک فعالیت جسمانی و ذهنی کمتر فرصت تمرکز بر مشکلات و تکرار جبرگرایانه آن‌ها را دارند. از طرفی بعد از فراغت از کار نیز آن‌ها دارای دل‌مشغولی‌های مربوط به فرزندان، خانه، آشپزی و مسئولیت‌های زندگی هستند؛ در نتیجه فرصت چندانی برای مرور و تمرکز بر مشکلات، استرس‌ها، نگرانی‌ها و غیره ندارند؛ اما زنان خانه‌دار در مقایسه با زنان شاغل دارای اوقات فراغت بیشتری هستند؛ در نتیجه به احتمال بیشتری افکار ناخودآگاه و اجباری به سراغشان می‌آید. پورنامداریان و همکاران نقش باورهای فراشناختی را در علائم افسردگی و اضطراب در پرستاران بررسی کردند. نتایج مشخص کرد، در مجموع بین این باورها و علائم افسردگی و اضطراب رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین نتایج بررسی همبستگی نشان داد، بین ابعاد باورهای فراشناختی با افسردگی رابطه مثبت و معناداری مشاهده می‌شود (۱۶). خودآگاهی شناختی بررسی واقع‌گرایانه باورها، ارزش‌ها، احساسات و توانایی‌های بالقوه و بالفعل خود و استفاده از آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها است؛ به گونه‌ای که به نفع خود و بهبود روابط با دیگران باشد. افراد دارای خودآگاهی بیشتر، شناخت گسترده‌تر و عمیق‌تری از خود دارند، دیگران را نیز بهتر درک می‌کند، پیش‌بینی

دقیق‌تری از رفتار دیگران دارند و مشکلات کمتری در روابط با دیگران تجربه می‌کنند. همچنین نشخوار ذهنی افکاری مزاحم و آزاردهنده هستند که فرد از آن‌ها برای رهایی یافتن از نگرانی‌ها و اضطراب‌های بهره‌برداری می‌کند؛ ولی به حل مشکل و پایان یافتن نگرانی‌ها نمی‌انجامد؛ بلکه پریشانی و اضطراب فرد را افزایش می‌دهد. آگاهی شناختی می‌تواند در کاهش این علائم نقش مؤثری داشته باشد. بیونا و همکاران در پژوهشی به بررسی رابطه بین افسردگی، بی‌تفاوتی و خودآگاهی در افراد آسیب‌دیده شدید مغزی پرداختند. این پژوهش، تحقیقی پس‌رویدادی بود. در این پژوهش یازده فرد دارای آسیب شدید مغزی و یازده فرد سالم از نظر جسمی و روانی شرکت داشتند. یافته‌ها نشان داد، اغلب افراد با آسیب مغزی دارای خودآگاهی شناختی صحیحی نیستند. همچنین نتایج مشخص کرد، افراد سالم از خودآگاهی شناختی مناسبی در زمینه‌های مختلف برخوردار هستند (۱۹). بر این اساس می‌توان گفت، خودآگاهی شناختی از مهارت‌هایی به‌شمار می‌رود که نقش مهمی در سازگاری و زندگی مطلوب دارد و ضعف در خودآگاهی با بسیاری از بیماری‌ها و آسیب‌های روانی اجتماعی از جمله بازگشت سریع علائم بیماری روانی و مراجعه مجدد و زود هنگام به مراکز روان‌پزشکی همراه است. در پژوهش حاضر آزمودنی‌ها شناخت نسبتاً خوبی از خود داشتند، هیجانان خود را به خوبی اداره کردند، آنان قادر بودند به خوبی با اطرافیان ارتباط برقرار کنند، مشکلات مربوط به روابط خود با دیگران را به خوبی مدیریت و حل کنند، به خوبی توانایی داشتند که رویدادهای محیط اطراف و رفتارهای دیگران در موقعیت‌های مختلف را پیش‌بینی کنند و به بهترین شکل قادر به کنترل و مقابله با مشکلات زندگی بودند؛ بنابراین چنین افرادی صرف‌نظر از این که خانه‌دار باشند یا شاغل، آگاهی شناختی نسبتاً خوبی خواهند داشت. کریک پاتریک و همکاران در پژوهشی به بررسی رابطه بین آگاهی شناختی، دانش، عملکرد مراقبت و تجربه در بین پرستاران پرداختند. در این پژوهش شانزده دانشجوی پرستاری شرکت داشتند. نتایج پژوهش نشان داد، بین میزان دانش و خودآگاهی دانشجویان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ اما بین خودآگاهی شناختی با تجربه و عملکرد مراقبت رابطه معناداری پیدا نمی‌شود (۲۰). آگاهی شناختی افراد در کیفیت زندگی و مراقبت و بهداشت روانی آنان تأثیرگذار است؛ به عبارت دیگر افرادی که شناخت خوبی از خود دارند، برای زندگی‌شان برنامه‌ریزی می‌کنند و وقت خود را به بطلات نمی‌گذرانند و حداکثر استفاده را از زمان می‌برند؛ در نتیجه کمتر دچار مشکلات روحی می‌شوند.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر این بود که باتوجه به اجرای پژوهش در زمان همه‌گیری ویروس کرونا امکان انجام تحقیق به صورت کیفی وجود نداشت و همچنین پژوهش فقط بر گروه زنان انجام شد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی روی مردان نیز تحقیق مشابهی صورت گیرد و با یافته‌های این پژوهش مقایسه شود. نتایج این پژوهش می‌تواند به عنوان منبعی اطلاعاتی و آماری در جهت برنامه‌ریزی مشاوران در مراکز مشاوره استفاده شود. همچنین این مطالعه می‌تواند بستری را برای انجام مطالعات آتی و اثربخشی مداخلات روان‌شناسی در کاهش و جلوگیری از نشخوار فکری و تفکر اجباری فراهم کند و

این امکان مهیا شود که افراد شناخت بهتری از خود داشته باشند و آگاهی شناختی خود را افزایش دهند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نشخوار فکری در زنان شاغل به‌طور معناداری کمتر از زنان خانه‌دار است؛ اما از نظر باورهای فراشناختی دو گروه تفاوت معناداری ندارند؛ در نتیجه می‌توان گفت، اشتغال زنان نه تنها مانع و مشکل روحی برای آنان ایجاد نمی‌کند، بلکه کمک‌کننده نیز است؛ چراکه زنان شاغل کمتر درگیر افکار مزاحم و نشخوارهای فکری شده و از بهداشت روانی بیشتری برخوردار می‌شوند.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی افرادی که در انجام این پژوهش همراهی کردند، کمال تشکر را دارم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیه اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان
در این پژوهش تأییدیه اخلاقی و رضایت از شرکت‌کنندگان کاربرد

ندارد.

رضایت برای انتشار

در این مقاله رضایت برای انتشار، اجرایی است.

دردسترس بودن داده‌ها و مواد

داده‌های این پژوهش به‌صورت فایل اکسل در فضای ذخیره‌ای هارددرایو نزد نویسنده حفظ شده است.

تضاد منافع

نویسنده اعلام می‌کند، هیچ‌گونه تضاد منافی ندارد.

منابع مالی

تمامی هزینه‌های انجام پژوهش به‌عهده نویسنده مقاله بوده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده پژوهش ارائه‌ایده پژوهشی، مسئولیت طراحی مطالعه و انجام پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و نگارش مقاله را انجام داد؛ همچنین تمامی مراحل اجرای پژوهش از قبیل تدوین پژوهش، آنالیز و تحلیل داده‌ها، بازبینی و مرور مقاله را به‌عهده داشت. نویسنده نسخه دست‌نوشته نهایی را مطالعه و تأیید کرد.

References

1. Moradkhani A. Moghayeseye salamat ravan, sazegari zanashooei va samimiat zanashooei beyn zanan shaghel va gheyre shaghel shahrestan Shiraz [Comparison of mental health, marital adjustment and marital intimacy between employed and non-employed women in Shiraz] [Thesis for MSc]. [Marvdasht, Iran]: Azad University, Marvdasht Branch; 2017, [Persian]
2. Rod K. Observing the effects of mindfulness-based meditation on anxiety and depression in chronic pain patients. Int J Psychol Behav Sci. 2015;5(4):143–7. <https://doi.org/10.5923/j.ijpbs.20150504.01>
3. Schut DM, Boelen PA. The relative importance of rumination, experiential avoidance and mindfulness as predictors of depressive symptoms. J Contextual Behav Sci. 2017;6(1):8–12. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2016.11.008>
4. Wells A. Cognition about cognition: metacognitive therapy and change in generalized anxiety disorder and social phobia. Cogn Behav Pract. 2007;14(1):18–25. <https://doi.org/10.1016/j.cbpra.2006.01.005>
5. Goldman BL, Martin ED, Calamari JE, Woodard JL, Chik HM, Messina MG, et al. Implicit learning, thought-focused attention and obsessive-compulsive disorder: a replication and extension. Behav Res Ther. 2008;46(1):48–61. <https://doi.org/10.1016/j.brat.2007.10.004>
6. Wells A, Carter K. Further tests of a cognitive model of generalized anxiety disorder: metacognitions and worry in GAD, panic disorder, social phobia, depression, and non-patients. Behav Ther. 2001;32(1):85–102. [https://doi.org/10.1016/S0005-7894\(01\)80045-9](https://doi.org/10.1016/S0005-7894(01)80045-9)
7. Fang L, Marchetti I, Hoorelbeke K, Koster EHW. Do daily dynamics in rumination and affect predict depressive symptoms and trait rumination? an experience sampling study. J Behav Ther Exp Psychiatry. 2019;63:66–72. <https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2018.11.002>
8. Moradi Madadloo Z. Asarbakhshiye shenakhtdarmani mobtani bar zehnegahi bar noshkhare fekri va ala'em va neshanehayе afsordegiye asi [The effectiveness of mindfulness-based cognitive therapy on rumination and major depressive symptoms] [Thesis for MSc]. [Tabriz, Iran]: University of Tabriz; 2017. [Persian]
9. Mor N, Hertel P, Ngo TA, Shachar T, Redak S. Interpretation bias characterizes trait rumination. J Behav Ther Exp Psychiatry. 2014;45(1):67–73. <https://doi.org/10.1016/j.jbtep.2013.08.002>
10. McEvoy PM, Mahoney AE. Intolerance of uncertainty and negative metacognitive beliefs as transdiagnostic mediators of repetitive negative thinking in a clinical sample with anxiety disorders. J Anxiety Disord. 2013;27(2):216–24. <https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2013.01.006>
11. Zemestani M, Mehrabian T, Mosalman M. Prediction of the amount of worrying based on metacognitive beliefs and rumination in students. Psychiatric Nursing. 2016;4(3):51–7. [Persian] <http://dx.doi.org/10.21859/ijpn-04037>
12. Steinberg AG, Sullivan VJ, Montoya LA. Loneliness and social isolation in the work place for deaf individuals during the transition years: a preliminary investigation. J Appl Rehabil Couns. 1999;30(1):22–30. <https://doi.org/10.1891/0047-2220.30.1.22>

13. Khanegahi S, Bamadi N, Khoshdel Daryasari S. A comparative study of illness anxiety and marital sexual satisfaction in employed and housewife married women. *Woman & Society*. 2019;10(39):99–114. [Persian] https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_3668.html?lang=en
14. Azizi R, Bahrami F, Goodarzi K, Sadeghi M. Comparison of the effectiveness of treatment based on Moritz metacognitive approach and Wells metacognition approach on obsessive-compulsive symptoms and cognitive flexibility of obsessive-compulsive homeowners. *Feyz*. 2020;23(6):637–46. [Persian] <http://feyz.kaums.ac.ir/article-1-3883-en.html>
15. Soleimani A, Sohrabi F, Shams J. Relationship between worry, rumination and metacognitive beliefs and major depressive symptoms. *Modern Psychological Researches*. 2014;9(33):111–24. [Persian] https://psychologyj.tabrizu.ac.ir/article_3970.html?lang=en
16. Pournamdarian S, Birashk B, Asgharnejad Farid AA. The role of meta-cognitive beliefs in depression anxiety stress symptoms in nurses of beast hospital in Hamedan at 1389–90. *Avicenna Journal J Nurs Midwifery Care*. 2013;21(2):12–22. [Persian] <http://nmj.umsha.ac.ir/article-1-1134-en.html>
17. Bakhshayesh A, Entezari E. Perfectionism and irrational beliefs in Yazd housewives and working women. *New Thoughts on Education*. 2011;7(1):9–28. [Persian] https://jontoe.alzahra.ac.ir/article_146.html?lang=en
18. Ando' A, Giromini L, Ales F, Zennaro A. A multimethod assessment to study the relationship between rumination and gender differences. *Scand J Psychol*. 2020;61(6):740–50. <https://doi.org/10.1111/sjop.12666>
19. Bivona U, Costa A, Contrada M, Silvestro D, Azicnuda E, Aloisi M, et al. Depression, apathy and impaired self-awareness following severe traumatic brain injury: a preliminary investigation. *Brain Injury*. 2019;33(9):1245–56. <https://doi.org/10.1080/02699052.2019.1641225>
20. Kirkpatrick AJ, Cantrell MA, Smeltzer SC. Relationships among nursing student palliative care knowledge, experience, self-awareness, and performance: an end-of-life simulation study. *Nurse Educ Today*. 2019;73:23–30. <https://doi.org/10.1016/j.nedt.2018.11.003>
21. Delavar A. Educational and psychological research. Tehran: Virayesh Pub; 2021. [Persian]
22. Nolen-Hoeksema S, Morrow J. A prospective study of depression and posttraumatic stress symptoms after a natural disaster: the 1989 Loma Prieta earthquake. *J Pers Soc Psychol*. 1991;61(1):115–21. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.61.1.115>
23. Rahbarian A, Salehi H, Gharibdoust M, Mahmoudi H. The role of rumination and psychological hardiness in predicting high risk behaviors in students. *J Child Ment Health*. 2020;7(2):31–40. [Persian] <http://dx.doi.org/10.29252/jcmh.7.2.4>
24. Wells A, Cartwright-Hatton S. A short form of The Metacognitions Questionnaire: properties of the MCQ-30. *Behav Res Ther*. 2004;42(4):385–96. [https://doi.org/10.1016/S0005-7967\(03\)00147-5](https://doi.org/10.1016/S0005-7967(03)00147-5)
25. Shirinzadeh Dastgiri Sh, Aligoodarzi M, Rahimi Ch, Naziri Gh. Barrasiye sakhtare ameli, revaei va etebare porseshnameye farshenakht [Examining the factorial structure, validity and reliability of The Metacognition Questionnaire]. *Journal of Psychology*. 2017;12(4):445–61. [Persian]